

الگوی حکمرانی بر کرکوک عراق؛ بررسی مناقشات ذی نفعان با روش تحلیل بازیگر

سعید ساسانیان^۱

چکیده

الگوی حکمرانی بر شهر چندقومیتی کرکوک در عراق، هم‌چنان یکی از مهم‌ترین منابع تولید تنش و حتی منازعه در این کشور است. ویژگی‌های برجسته‌ی فرهنگی و اقتصادی این منطقه، باعث شده تا بازیگرانی در سطوح مختلف در آن ذی‌نفع و موثر محسوب شوند. کرکوک برای کردهای عراق بسیار اهمیت داشته و در صورت الحاق آن به اقلیم کردستان این کشور، فرایند استقلال‌طلبی آن‌ها سرعت خواهد گرفت. از این منظر، آینده‌ی حکمرانی بر کرکوک، علاوه بر گروه‌های عراقی و دولت این کشور، برای ایران و ترکیه نیز امری مهم تلقی می‌شود چرا که در صورت استقلال کردهای عراق، امنیت ملی و تمامیت ارضی این دو کشور می‌تواند تحت تاثیر قرار گیرد. در این صورت، مشخصاً نیروهای مسلح ایران باید در پی مواجهه با تهدید تقویت‌شده با ابعاد مختلف هویتی و امنیتی از سوی گروهک‌های معارض کردی باشند. با توجه به چنین ضرورتی و هم‌چنین با توجه به تعدد بازیگران ذی‌نفع و موثر در حوزه کرکوک، این مقاله کوشیده است تا با بهره‌گیری از روش تحلیل بازیگر و با استفاده از نرم‌افزار بازیگر محور MACTOR به بررسی مناقشات ذی‌نفعان در منطقه کرکوک عراق در خصوص الگوهای ممکن حکمرانی بر آن بپردازد. بدین منظور، ۱۳ بازیگر و ۴ الگوی حکمرانی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش میدانی، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به کمک تحلیل یافته‌های حاصل از نرم‌افزار، در نهایت «کرکوک، شهر چند فرهنگی و ویژه» به‌عنوان الگویی که بازیگران نسبت به آن دارای کمترین مناقشه می‌باشند، معرفی شده است.

واژه‌های کلیدی:

آینده‌پژوهی، تحلیل بازیگر، کرکوک، عراق، MACTOR

مقدمه و بیان مساله

یکی از مهم‌ترین مواردی که پس از سرنگونی صدام حسین و شکل‌گیری عراق جدید، هم‌چنان در روابط میان بازیگران داخلی این کشور و هم‌چنین بازیگران منطقه‌ای حل‌نشده باقی مانده است، مساله‌ی کرکوک می‌باشد. این مساله متاثر از عوامل متعددی از جمله ویژگی‌های ذاتی منطقه کرکوک است که زمینه‌ساز مناقشات بسیاری میان بازیگران ذی‌نفع در آن شده و همین امر، طراحی یک الگوی حکمرانی پایدار در کرکوک را دشوار ساخته است.

یکی از ویژگی‌های مهم کرکوک، غنی‌بودن آن از نفت است. کرکوک پس از بصره که حدود ۶۰ میلیارد بشکه نفت داراست، دومین میدان نفتی بزرگ عراق محسوب می‌شود. برخی، ذخایر قطعی نفت کرکوک را تا ۴۰ میلیارد بشکه نفت هم ذکر کرده‌اند (نصری، ۱۳۹۳، ۸۲). این ویژگی اقتصادی با یک ویژگی فرهنگی همراه شده است. کرکوک شهری چندقومیتی است. کردها، ترکمن‌ها و عرب‌ها هر یک دوره‌ای از سروری و سلطه بر این شهر را در سابقه خود داشته‌اند. در این میان باید به حضور مسیحیان نیز اشاره کرد. تعدد اقوام و ادیان در کرکوک عملاً باعث شده است تا هر یک از آن‌ها با ادعاهایی که نشانه‌هایی در تاریخ دارد، خود را شایسته‌ی حکمرانی بر این شهر بدانند.

اما آنچه ابعاد مساله‌ی کرکوک را پیچیده‌تر می‌سازد، امتداد آن در حوزه امنیت ملی برخی بازیگران پیرامونی است. ایران، ترکیه و سوریه مهم‌ترین بازیگران در این حوزه محسوب می‌شوند. البته سوریه به دلیل بحرانی که از سال ۲۰۱۱ در آن آغاز شده و هم‌چنان نیز ادامه دارد، دغدغه معناداری نسبت به آینده حکمرانی بر کرکوک ندارد اما ایران و ترکیه عمیقاً بخشی از امنیت ملی خود را تحت شعاع معادلات کرکوک می‌دانند. این امر ناشی از توزیع قوم‌گُرد در نواحی مرزی چهار کشور عراق، سوریه، ترکیه و ایران است. کردهای عراق که مُصرانه به‌دنبال الحاق کرکوک به اقلیم کردستان هستند، چنین الحاقی را مقدمه‌ای اساسی برای استقلال خود می‌دانند. لذا ایران و ترکیه قاطعانه مخالف چنین الحاقی بوده و آن را تهدیدی برای تمامیت ارضی، انسجام اجتماعی و امنیت ملی خود می‌بینند. در تحولاتی که در مهرماه ۱۳۹۶ در حوزه کردی عراق رخ داد، این مخالفت به صورت جدی آشکار شد. برگزاری همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق از سوی دولت این اقلیم و در حالی که نیروهای پیشمرگ از سال ۲۰۱۴ بر میادین نفتی و پایگاه‌های نظامی کرکوک مسلط شده بودند، زمینه‌ی ائتلاف ایران، ترکیه و عراق برای ممانعت از این استقلال را فراهم ساخت. در نهایت با عملیات نیروهای نظامی عراق و بازپس‌گیری کرکوک و اعمال حاکمیت بر آن، کردها به ناچار از موضع خود عقب‌نشینی کردند. استقلال اقلیم کردستان عراق البته برای ایران از منظر دیگری نیز تهدیدزا محسوب می‌شود. با توجه به روابط تاریخی برخی گروه‌های گُرد با رژیم صهیونیستی و حضور امنیتی و اطلاعاتی این رژیم در اقلیم، استقلال کردها می‌تواند زمینه‌ساز

حضور قوی‌تر اسرائیل در مناطق مرزی ایران شده و پیامدهای معناداری برای ایران رقم بزند (عبداله‌پور، ۱۳۹۰). لذا استقلال اقلیم کردستان عراق که به دلایل هویتی و اقتصادی، بدون الحاق کرکوک به آن نمی‌تواند صورت گیرد، بر نظم منطقه و الگوهای رقابت و منازعه بازیگران اثرگذار خواهد بود.

نیاز راهبردی مسالهی کرکوک، الگوی حکمرانی است. برخی از بازیگران الگویی را می‌پذیرند که در تقابل با منافع و امنیت دیگر بازیگران است. بر همین اساس، با وجود اشاره به سازوکار تعیین الگوی حکمرانی بر منطقه کرکوک در اصل ۱۴۰ قانون اساسی عراق، اما هم‌چنان به دلیل نبود شرایط سیاسی و اجتماعی لازم و هم‌چنین مناقشه‌آمیز بودن نتیجه حاصل از سازوکار قانون اساسی، تعیین الگوی نهایی برای حکمرانی بر کرکوک صورت نگرفته است.

مقاله حاضر با توجه به تفاوت منافع بازیگران ذی‌نفع در مسالهی کرکوک، به دنبال پاسخ به این سوال اصلی است که کدام الگوی حکمرانی، واجد کمترین میزان مناقشه میان ذی‌نفعان می‌باشد. به بیان دیگر، بازیگران بر کدام الگوی حکمرانی بر کرکوک، هم‌گرایی بیشتری دارند. لازم به ذکر است الگویی که واجد کمترین مناقشه میان بازیگران باشد، الزاما و منطقا نمی‌تواند تامین‌کننده منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب شود اگرچه می‌تواند مبنایی برای مطالعات بیشتر در این حوزه فراهم سازد. واقعیت این است که شناخت الگوی مرجح برای ایران در خصوص حکمرانی بر کرکوک، علاوه بر میزان مناقشه بازیگران، نیازمند بررسی‌های بیشتر حول عوامل و متغیرهای دیگر می‌باشد. فرضیه در نظر گرفته شده بر این محور سامان یافته که برای پایان دادن به مسالهی کرکوک، نیاز است تا از الگوهای متعارف (الحاق کرکوک به اقلیم کردستان عراق یا الحاق آن به دولت مرکزی) عبور کرده و در پی الگوی جدیدی بود که در عین تضاد نداشتن با ملاحظات امنیت ملی ایران، میزان مخالفت‌های داخلی، منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای با آن تا حدی نباشد که مانع تحقق آن گردد. این مقاله با نگاهی آینده‌پژوهانه و با بررسی ۱۳ بازیگر و ۴ الگوی حکمرانی بر کرکوک در پی ارائه یک الگوی جدید برای حکمرانی بر منطقه کرکوک است.

ضرورت تحقیق

پایان دادن به مسالهی پیچیده‌ی کرکوک می‌تواند منبعی تهدیدزا برای جمهوری اسلامی ایران را از میان برد. دو نگاه رقیب که به صورت سنتی در خصوص حکمرانی بر کرکوک مطرح می‌شوند، توان حل اساسی این مساله را دارا نیستند. این دو نگاه عبارت‌اند از الحاق کرکوک به اقلیم کردستان عراق و یا الحاق آن به دولت مرکزی عراق. الگوی نخست، زمینه‌ی استقلال اقلیم کردستان عراق را فراهم، روند تجزیه عراق را تشدید و تهدیدات جدی برای ایران ایجاد خواهد کرد. همسویی برخی نخبگان کُرد در اقلیم کردستان عراق با رژیم صهیونیستی و بیان

علنی دارا بودن روابطی مستحکم با این رژیم، عملاً امکان نفوذ امنیتی اسرائیل در غرب ایران را افزایش می‌دهد (عبدالله پور، ۱۳۹۰). از سوی دیگر، گروهک‌های مسلح کُردی که تحت نفوذ بازیگران خارجی قرار دارند (کردستان مدیا، شهریور ۱۳۹۵)، جهت توسعه ناآرامی‌ها به مناطق کردنشین ایران، فعالیت‌های خود را افزایش خواهند داد. این موارد و موارد ضد امنیتی دیگر، نیازمند واکنشی درخور از سوی جمهوری اسلامی ایران است. در چنین شرایطی، بازآرایی احتمالی نیروهای نظامی در غرب کشور، صرف هزینه‌های مادی و انسانی بیشتر در حوزه نیروهای مسلح و اتخاذ تدابیر ویژه در حوزه امنیتی و اطلاعاتی برای مهار و رفع تهدیدهای مذکور، باید در دستور کار قرار گیرد. لذا ممانعت از الحاق کرکوک به اقلیم کردستان عراق، علاوه بر اهمیت هویتی، یک ضرورت راهبردی در حوزه امنیتی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران است که می‌تواند از شکل‌گیری تهدیدهای جدید و تقویت تهدیدهای موجود در غرب کشور، جلوگیری کند.

الگوی دوم یعنی الحاق کرکوک به دولت مرکزی عراق نیز اگرچه مطلوب ایران و عراق است اما به دلایلی که خواهد آمد، نمی‌تواند در بلندمدت، الگوی پایداری باشد. لذا باید به دنبال الگوی سومی بود. تحقیق در خصوص الگوی جدیدی برای حکمرانی بر منطقه کرکوک در عراق مبتنی بر میزان مناقشات ذی‌نفعان در خصوص این الگو، از این منظر ضروری به نظر می‌رسد. لذا ضرورت تحقیق در واقع همان ضرورت‌های ارائه چنین الگویی است. برخی از این ضرورت‌ها عبارتند از؛

ضرورت از میان بردن مهم‌ترین زمینه‌ی استقلال‌خواهی کردها؛ با توجه به تلاش ناکام برخی احزاب اقلیم کردستان عراق برای استقلال از این کشور در مهرماه ۱۳۹۶، به نظر می‌رسد هر الگویی که برای حکمرانی بر شهر کرکوک طرح شود، جهت حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی سیاسی عراق، باید این شهر را از میان ادعاهای کردها خارج سازد. واقعیت این است که به دلیل جایگاه هویتی و اقتصادی برتر کرکوک برای کردها، اگر این شهر در زمان برگزاری همه‌پرسی، تحت حاکمیت اقلیم نبود، با احتمال بسیار بالا، مسعود بارزانی رئیس وقت اقلیم کردستان عراق و متحدانش، اقدام عملی هم‌چون برگزاری همه‌پرسی را برای رسیدن به استقلال در دستور کار قرار نمی‌دادند. لذا مهم‌ترین ابزار برای خلع سلاح استقلال‌طلبی برخی شخصیت‌های سیاسی کُرد عراق، پایان دادن به مسأله‌ی کرکوک است به‌گونه‌ای که کردها این شهر را ملک طلق خود ندانند.

ضرورت‌های ناشی از قانون اساسی؛ اصل ۱۴۰ قانون اساسی عراق بر برگزاری همه‌پرسی برای تعیین تکلیف کرکوک تا پایان دسامبر سال ۲۰۰۷ جهت تشخیص اراده شهروندان تصریح دارد. اما واقعیت این است که این اصل در شرایط کنونی نمی‌تواند حافظ روح حاکم بر قانون اساسی عراق از جمله یکپارچگی و تمامیت ارضی باشد. چنین مواردی در اصول ۱، ۵۰، ۶۷ و ۱۰۹ به

نوعی مورد اشاره قرار گرفته‌اند. دادگاه عالی فدرال عراق هم در تاریخ ۶ نوامبر ۲۰۱۷ در مصوبه شماره ۱۲۲ حکمی را مبنی بر تفسیر ماده یک قانون اساسی صادر کرد که بر اساس آن و دیگر مواد قانون اساسی مرتبط با یکپارچگی عراق به‌ویژه ماده ۱۰۹، تمامی مسئولان دولت فدرال عراق ملزم به حفظ یکپارچگی کشورند (خبرگزاری فارس، آبان ۱۳۹۶). با این وجود، در صورت تحقق اصل ۱۴۰ و برگزاری همه‌پرسی و الحاق کرکوک به اقلیم کردستان عراق، چه کسی ضمانت می‌کند دوباره برخی رهبران کرد در پی همه‌پرسی استقلال و تجزیه عراق (که خلاف قانون اساسی است) نباشند؟ با برگزاری همه‌پرسی استقلال اقلیم و نصب غیرقانونی پرچم اقلیم بر فراز استانداری کرکوک در سال ۲۰۱۷، عملاً حسن نیت رهبران کرد نسبت به حفظ تمامیت ارضی عراق از میان رفته است و لذا بغداد می‌تواند در ناکارآمدی اصل ۱۴۰ قانون اساسی و تضاد عملی آن با برخی اصول دیگر و روح حاکم بر قانون اساسی، مدعی باشد. علاوه بر این، همه‌پرسی باید تا سال ۲۰۰۷ برگزار می‌شده و به هر دلیل صورت نگرفته است. لذا عبور از این سقف زمانی می‌تواند محل اتکا و استناد ذی‌نفعان باشد تا برای تعیین الگوی حکمرانی به راهکاری دیگر بیان‌پیشنند.

ضرورت پایان دادن به بهانه‌جویی‌های گُردی؛ با توجه به این‌که اکنون کرکوک تحت حاکمیت کامل بغداد قرار دارد، این سوال مطرح می‌شود که چرا این وضعیت نمی‌تواند راهکار نهایی قلمداد شده و ادامه یابد؟ به نظر می‌رسد باتوجه به ذکر مساله‌ی کرکوک در قانون اساسی عراق و به سرانجام نرسیدن اصل ۱۴۰ (با فرض آن‌چه در خصوص ناکارآمدی این اصل آمد)، این مساله در صورت عدم ارائه الگوی حکمرانی جدید، همیشه باز خواهد ماند و برخی کردها می‌توانند با استناد به این اصل، ضمن مظلوم‌نمایی و طرح ادعاهای خود در خصوص کرکوک، در زمان مقتضی دوباره آن را مبنای رفتارهای استقلال‌طلبانه قرار دهند. لذا پایان این مساله با ارائه مدلی جدید، ضروری است. مدل کنونی که ادامه‌ی تسلط بغداد بر کرکوک است، اگرچه دستاوردهایی خواهد داشت اما در نهایت، این پرونده را به صورت ریشه‌ای و برای همیشه نخواهد بست (ساسانیان، آبان ۱۳۹۶).

مبانی نظری

عطف به این‌که این مقاله کوشیده است یکی از روش‌های آینده‌پژوهی را برای مطالعات سیاسی و امنیتی به خدمت گیرد، مبانی نظری آن از سه بخش تشکیل شده است. بخش نخست به بررسی جوامع چندفرهنگی و نحوه مدیریت سیاسی آن‌ها می‌پردازد که سطح تحلیل آن، داخلی است. تسری مسائل قومی یک کشور به کشورهای مجاور و تهدید امنیت ملی آن‌ها موضوع دومین بخش مبانی نظری این مقاله است که سطح تحلیل منطقه‌ای دارد. بخش سوم اما «تحلیل بازیگر» در حوزه آینده‌پژوهی را مورد کنکاش قرار می‌دهد.

مدیریت سیاسی جوامع چندقومی

مارتین مارجر سه الگوی عمده سیاست‌گذاری قومی را معرفی می‌کند که ماهیت سیاست‌های قومی جوامع چندقومی معاصر را روشن می‌سازد. اگرچه تمرکز مارجر عمدتاً بر کشورهای چندقومی است اما به نظر می‌رسد این سه الگو می‌تواند در فهم معادلات کرکوک و سیاست‌گذاری برای آینده حکمرانی بر آن، کمک‌کننده باشند. سه الگوی مارجر عبارتند از؛ همانندسازی، تکثرگرایی تساوای طلب و تکثرگرایی نابرابر (مارجر، ۱۳۷۷). در ادامه با بهره از مقاله او، این الگوها تشریح شده و سعی می‌شود متناسب با ویژگی‌های کرکوک، شبیه‌سازی شوند؛

الف) همانندسازی

همانندسازی فرایند تقلیل خط تمایز است و زمانی رخ می‌نماید که اعضای دو یا چند جامعه، گروه نژادی یا گروه اجتماعی کوچک با یکدیگر همسان می‌شوند (Yinger, 1985, 30). بنابراین همانندسازی را می‌توان بسان غرض و یا «ایده‌آلی» منسجم ساز برشمرد که جوامع چندقومیتی به سوی آن حرکت می‌کنند و سیاست‌های دولت و ایدئولوژی‌ها براساس آن شکل می‌گیرند. هدف سیاست‌های همانندسازی عبارتست از: ترکیب زیست‌شناختی، فرهنگی، اجتماعی و روانی گروه‌های متمایز و منفرد به منظور ایجاد یک جامعه بدون تفاوت‌های قومی (Barth and Noel, 1972, 336). قومیت بعنوان ملاکی برای توزیع نابرابر ثروت و قدرت چندان نقش مؤثری نخواهد داشت (مارجر، ۱۳۷۷، ۱۵۷).

چنین الگویی در چارچوب موضوع مورد بررسی و با وجود برخی تفاوت‌ها در سطح تحلیل، این‌گونه قابل بیان است که دولت عراق فارغ از هویت‌های متعدد قومی ساکن در کرکوک و منازعات تاریخی میان آن‌ها، به اعمال حاکمیت بر این شهر بپردازد، همان‌گونه که حاکمیت خود را بر کربلای عرب و شیعه و الرمادی عرب و سنی اعمال می‌کند. به نظر می‌رسد این الگو با الگوی «الحاق کرکوک به دولت مرکزی بغداد» همسو باشد.

ب) تکثرگرایی مساوات‌طلبانه

در یک جامعه چندقومیتی که توسط اصول «تکثرگرایی مساوات‌طلبانه» هدایت می‌شود، گروه‌های قومی تبدیل به گروه‌های ذینفع سیاسی می‌شوند که بر سر منافع اجتماعی با یکدیگر رقابت می‌کنند. از لحاظ نظری نیز این تفاوت‌های رقابت‌برانگیز در متن مجموعه‌ای از ضوابط سیاسی که مورد قبول همگان است قرار دارد و از این رو شکاف‌ها و تفاوت‌های جدی بین گروه‌ها را کاهش می‌دهد. بدین صورت که تمام گروه‌ها نسبت به یک نظام سیاسی مشترک و واحد وفادار می‌باشند و در داخل نظام اقتصادی واحدی مشارکت می‌جویند. تفاوت‌های فرهنگی - ساختاری موجود بین این گروه‌ها توسط دولت صیانت می‌شود و ضوابط سازمانی در

جهت تشویق توزیع متناسب پاداش‌های اجتماعی بر اساس قومیت، تدارک دیده می‌شوند (همان، ۱۶۲).

چنین سیاستی در سطح ملی عراق و در توزیع مسئولیت‌های اصلی البته بدون رسمیت قانونی و به صورت عرفی، جاری است. لذا رئیس پارلمان، رئیس جمهور و نخست‌وزیر به ترتیب از میان اهل سنت، کردها و شیعیان انتخاب می‌شود و این در حالی است که شیعیان به دلیل کثرت کرسی‌هایی که در پارلمان در اختیار دارند، به صورت دموکراتیک می‌توانند چنین روندی را مخدوش سازند. تسری الگوی کثرت‌گرایی مساوات‌طلبانه به حوزه حکمرانی کرکوک با توجه به چندفرهنگی بودن این شهر، همان‌گونه که در تشریح این الگو نیز آمد، نیازمند ضوابط مشخصی است تا همه قومیت‌ها در مدیریت سیاسی شهر حضور داشته باشند. به نظر می‌رسد این الگو با الگوی «معرفی کرکوک به‌عنوان شهر چندفرهنگی و ویژه» قرابت داشته باشد.

ج) تکثرگرایی نابرابر

نظام‌های تکثرگرایی نابرابر توسط سیاست‌هایی که گروه‌های قومی را از حیث ساختاری از یکدیگر مجزا، و توزیع بسیار نابرابر قدرت و مزایا را تقویت می‌کنند، هدایت می‌شوند. اسمیت (33، 1969) شرح می‌دهد که در چنین جامعه متکثری، دولت تنها عاملی در دست گروه قومی مسلط است و دیگران هیچ‌گونه حقی ندارند. در حالی که تکثرگرایی حامی برابری ایجاد تساوی فزاینده و رو به رشد قدرت سیاسی و اقتصادی در بین گروه‌ها را وجهه همت خود قرار می‌دهد، تکثرگرایی نابرابر بر فرضی کاملاً متضاد قرار دارد. در این جا حفظ یا گسترش نابرابری و عدم تساوی در بین گروه‌ها و اختصاص یافتن تمامی اقتدار سیاسی و سهم عمده‌ای از ثروت مادی به گروه مسلط، ویژگی اساسی و ذاتی این سیاست قومی است (مارجر، ۱۳۷۷، ۱۶۷).

برای کاربردی‌سازی این الگو در چارچوب موضوع مورد مطالعه، به نظر می‌رسد می‌توان آن را همسو با الگوی «الحاق کرکوک به اقلیم کردستان عراق» در نظر گرفت. چنین الحاقی به معنای آن است که یک قومیت حاضر در کرکوک، قدرت سیاسی را با فاصله‌ای بسیار زیاد از دیگر قومیت‌ها، از آن خود خواهد ساخت و این در حالی است که هر سه قوم اصلی حاضر در کرکوک یعنی ترکمن‌ها، عرب‌ها و کردها، دوره‌ای از سروری در این شهر را در سابقه خود داشته‌اند. الگوی کثرت‌گرایی نابرابر در این مقاله، نمی‌تواند همسو با الگوی «الحاق کرکوک به دولت مرکزی عراق» تلقی شود چرا که این دولت با پذیرش قومیت‌ها و توزیع قدرت در میان بازیگران مختلف قومی، صرفاً یک دولت عرب محسوب نمی‌شود.

امنیت ملی و موازنه قدرت

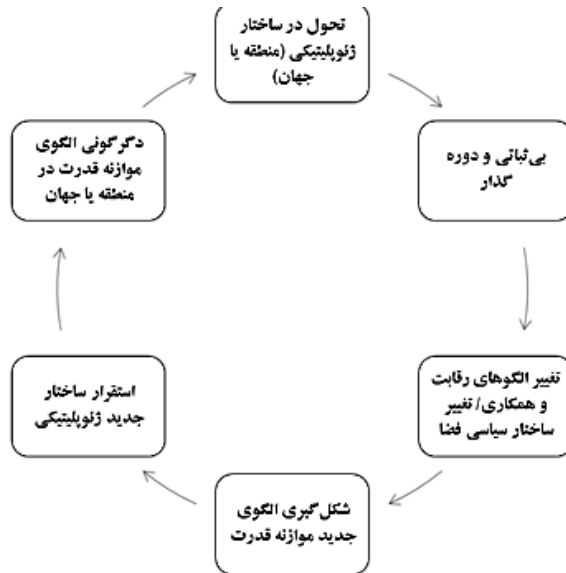
وجود قومیت‌های مشابه در بخشی از مناطق مرزی کشورها با یک‌دیگر، امری نسبتاً جهان‌شمول محسوب می‌شود. فارغ از قانون تراوش و نشر که به این تشابه قومی و تبادل

انسانی و فرهنگی مناطق مذکور می‌پردازد (عندلیب، ۱۳۸۰، ۲۰۸)، این موضوع در حوزه مطالعات امنیتی نیز مورد توجه قرار گرفته است. هرگونه تغییر در ترتیبات فرهنگی، امنیتی، سیاسی و اقتصادی یک منطقه قومی در یک کشور می‌تواند زمینه‌ساز تغییر در منطقه مشابه در کشور مجاور گردد. از این منظر، مقامات دو کشور نمی‌توانند نسبت به تحولات قومی یکدیگر بی‌تفاوت باشند. آن‌ها ناگزیرند در سیاست قومی خود، تحولات پیرامونی را نیز در نظر بگیرند. اگر تحولات قومی یک کشور از چنان شدتی برخوردار باشد که زمینه‌ساز تهدید امنیت ملی و تمامیت ارضی کشورهای پیرامونی شود، با واکنش مقامات آن کشورها روبرو خواهد شد. لذا احساس تهدید بازیگران که ناشی از مسائل قومی یکدیگر بوده و تلاش برای اثرگذاری بر این مسائل، فراتر از مرزهای رسمی و حاکمیت کشورها مورد تحلیل قرار می‌گیرد. این موارد تا حدی در قالب موازنه فراگیر قابل بررسی است. ترکیب مفهومی سیاست قومی، مداخلات خارجی و بی‌ثباتی سیاسی، می‌تواند امکان بهره‌گیری از نظریه موازنه فراگیر ۱ را فراهم سازد. واژه موازنه فراگیر برای نخستین بار توسط استیون دیوید، تحلیل‌گر آمریکایی سیاست بین‌الملل و مسائل جهان سوم به کار رفت. او دولت‌های جهان سوم را درگیر با تهدیداتی چندجانبه از ناحیه بی‌ثباتی و عدم انسجام اجتماعی در درون و چالش با دولت‌های رقیب در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی می‌داند (David, 1991, 16). از آن‌جا که مسائل قومی می‌تواند یکی از مصادیق عدم انسجام اجتماعی و بی‌ثباتی در کشورها باشد، لذا دولت‌ها می‌توانند از این واقعیت برای تنظیم رفتار دیگری متناسب با مطلوب‌های خود بهره ببرند. نوع روابط سوریه، ترکیه، عراق و ایران طی دهه‌های اخیر در حوزه مسائل کُردی با نظریه موازنه فراگیر قابل تبیین است (حق‌پناه، ۱۳۸۷).

از سوی دیگر، تلاش رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی یک کشور برای اثرگذاری بر مسائل قومی آن و یا اثرگذاری مستقیم بر مناسبات قومی کشور مجاور جهت اثرگذاری غیرمستقیم بر کشور هدف، باید در ملاحظات امنیتی و موازنه قدرت میان بازیگران در نظر گرفته شود (ن.ک: بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳، ۷۴۸-۷۴۴).

تغییر در جایگاه یک قوم در یک کشور می‌تواند زمینه‌ساز تحولاتی جدی در عرصه منطقه‌ای گردد. مدل زیر می‌تواند جهت درک پیوند میان تغییرات به شرط آن‌که تحولات قومی منجر به تحولی ژئوپلیتیکی شوند، موثر باشد؛

^۱ . Omni Balancing



منبع: حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، ۶

پس از تحول در ساختار ژئوپلیتیکی و آغاز دوره بی‌ثباتی و گذار، با توجه به میزان تهدیدات ناشی از بی‌ثباتی صورت گرفته، معمولاً کنش‌های سخت برای کسب منافع و تامین امنیت مدنظر بازیگران قرار می‌گیرد. چنین امری موجب می‌شود تا نیروهای مسلح و نیروهای امنیتی با اتخاذ آرایش و الگوی رفتاری مقتضی در مسیر تامین امنیت ملی قرار گیرند. در صورتی که هویت‌های قومی مشابه در دو سوی مرزها، محل تمرکز تغییرات ژئوپلیتیکی باشد، کنش‌های نظامی نیازمند هوشمندی مضاعف در طرح‌ریزی و اجرا می‌باشند چرا که هر اقدام نظامی در حالی که در پی رفع تهدید ناشی از تحول قومی بیرونی است، بالقوه می‌تواند موجب کنش‌های قومی در داخل شده و عملاً سطح و عمق رویارویی را بیشتر سازد. بر همین اساس، ضمن فهم اهمیت راهبردی تغییرات قوم‌محور، دولت‌ها باید بکوشند در عرصه سیاسی و اجتماعی به ساماندهی مسائل قومی کشور مجاور که منبع تهدید برای خود محسوب می‌شوند، یاری رسانده تا از هرگونه مواجهه نظامی با تهدید مذکور، ممانعت به‌عمل آورند.

تحلیل بازیگر در حوزه آینده‌پژوهی

اگر آینده‌نگاری را شامل کنار هم قراردادن عوامل کلیدی تغییر و منابع دانش، به‌منظور توسعه‌ی چشم‌اندازهای راهبردی و تعیین طیفی از سیاست‌ها بدانیم، نکته‌ی با اهمیت آن است که آینده‌نگاری اغلب به صراحت به‌دنبال ایجا شبکه‌هایی از عوامل برای پاسخ‌گویی بهتر به چالش‌های سیاستی و غیره است. این امر نه‌تنها با اطلاعات پیشرفته‌ی برآوردشده توسعه

می‌یابد بلکه از طریق آگاهی از منابع دانش و جهت‌گیری‌های راهبردی دیگر اعضای شبکه امکان‌پذیر است. لذا سناریوهای حاصله از آینده‌نگاری، پیونددهنده‌ی بین آینده و راهبردهای خلق‌شده هستند (Slaughter, 1999, 287). چنین رویکردی عمدتاً تمرکزش بر پیشران‌های کلیدی است و این پیشران‌ها را در تعامل با یک‌دیگر، بررسی کرده تا پژوهش‌گر به‌سوی سیاست‌گذاری رهنمون شود. اما در شرایطی که با چندین بازیگر مواجهه هستیم به‌گونه‌ای که تحلیل هر کدام از آن‌ها در نسبت با وضعیت‌ها و یا عوامل کلیدی یک موضوع یا سیستم متفاوت است و از سوی دیگر میزان نفوذ این بازیگران بر یک‌دیگر هم در جهت‌گیری آن‌ها برای رسیدگی به هدف اثرگذار است، ناگزیر به «تحلیل بازیگر» می‌باشیم. اساساً تحلیل بازیگر به‌کار می‌رود تا به طور موثرتری جایگاه بازیگران مورد بررسی قرار گیرد، تصمیمات یا اهداف به روشنی پیاده‌سازی شوند، متن سیاست بازیگران درک شود و امکان‌سنجی گزینه‌های سیاستی برای آینده بررسی شود (Varvasovsky & Brugha, 2000, 239-246). بر این اساس است که در آینده‌نگری راهبردی، تفکر سناریومحور و فرایندهای مذاکراتی، بازی بازیگر نقش مهمی در تحلیل ایفا می‌کند به‌گونه‌ای که چنین تحلیلی، موقعیت‌های ذی‌نفعان در بسیاری از مسائل راهبردی، ارزیابی هم‌گرایی‌ها و واگرایی‌ها و پیش‌بینی ائتلاف‌ها و تضادها را در نظر می‌گیرد (Bendahan, 2003, 1). ذکر این نکته هم می‌تواند مفید باشد که میان بازیگر و ذی‌نفع، با تسامحی که در استفاده یکسان از این دو وجود دارد، بعضاً تفاوت‌هایی ذکر شده است. این تفاوت در میزان اثرگذاری این دو است به‌گونه‌ای که ذی‌نفع به گروه‌هایی اشاره دارد که یک منفعت یا سهمی در فرایند تصمیم‌گیری دارند اما ابزارهای نسبتاً کمی برای تاثیرگذاری بر تصمیم‌گیری یا سیستم دارند (زارع میرک‌آباد، ۱۳۹۳). برخی نیز با تمرکز و تاکید بر ذی‌نفعان، بین افرادی که بر یک تصمیم یا اقدام تاثیرگذار هستند و یا تحت تاثیر آن قرار دارند، تفاوت قائل شده و این دو را ذی‌نفعان فعال و منفعل می‌نامند (Grimble & Wellard, 1997). در هر صورت آن‌چه مهم است این‌که وقتی چند بازیگر بر روی مسائل مورد پیگیری دارای اهداف گوناگونی باشند، تحلیل اثر آن‌ها بر یک‌دیگر و بر عوامل کلیدی آن مسائل ضروری است. در چنین شرایطی از مدل‌های مبتنی بر نقش بازیگران بهره برده می‌شود.

مدل‌های مبتنی بر نقش بازیگران عمدتاً در غالب دو رویکرد گسترده تحلیلی قابل فهم‌اند. رویکرد اول از روش طراحی سناریو برگرفته‌شده که توسط میشل گودت ارائه شده است. این روش مبتنی بر تئوری سیستم پایه‌گذاری شده است. رویکرد دوم اما از آثار نویسندگانی که در حوزه تصمیم‌سازی سیاسی و حوزه‌های مذاکراتی فعال بوده‌اند، سامان یافته است (Bendahan, 2003, 3). در ادامه برخی از مدل‌های مبتنی بر نقش بازیگر که اسماعیلیان (۱۳۹۵) گردآوری کرده است، می‌آید:

عنوان	طراح	شرح اجمالی
نظریه بازیگران ^۱ شبکه	لاتور ^۲	این روش در حوزه جامعه‌شناسی مطرح شده و تعاملات ذی‌نفعان بر اساس میزان ارتباطات، قدرت، اعتماد، کنترل منابع و برگشت‌ناپذیری موقعیت و نفوذ آنها مورد کاوش قرار می‌گیرد (Camponovo & Pigneur, 2002).
رویکردهای مبتنی بر بازی	آلاس ^۳	این رویکرد در حوزه خط‌مشی‌گذاری بوده و از رویکردهای مبتنی بر بازی برای ارزیابی احتمال اقدامات بدیل و کاهش خطر پیامدهای ناخواسته استفاده شده است. در واقع مدل‌های تصمیم را بر اساس نظریه بازی به منظور پیش‌بینی رفتار ذی‌نفعان و هدایت آنها به سمت راهبردهای مناسب، ساده‌سازی کرده‌اند (Bendahan, 2003).
LAMP ^۴	لاکوود ^۵	هدف، پیش‌بینی پیامد موضوع مورد بحث است. در این روش، موضوع باید کاملاً تخصصی و محدود بوده تا بدلیل محاسبات پیچیده، تعداد بازیگران به پنج تا شش عدد محدود شود (Lockwood, 2013).
مدل انتخاب عقلانی کنشگر-محور ^۶	مسکوی تا ^۷	این مدل که بر پایه نظریه مطلوبیت مورد انتظار ^۸ (EU) است برای ارزیابی مسائل سیاستی با ذی‌نفعان مختلف، مطرح شده است. طراح تلاش کرده با استفاده از داده‌های ورودی محدود، مدل پیش‌بینی تا حدی دقیق را ارائه کند. POLICON نسخه اولیه مدل و FACTIONS مدل مشابه‌ای که سازمان سیا (CIA) استفاده کرده است، بعنوان ابزاری برای پیش‌بینی مسائل سیاستی با بیش از ۹۰ درصد دقت، معرفی شدند (Jesse, 2011).
MACTOR	گودت ^۹	در مباحث پیش‌بینی، این ابزار تحلیلی در سال ۲۰۰۱ ارائه شد که به بررسی راهبردها و جهت‌گیری‌های بازیگران، نحوه مواجهه با برنامه‌ها و توازن قدرت بین آنها می‌پردازد و وابستگی‌ها، واگرایی‌ها و همگرایی‌های بازیگران را روی اهداف و مسایل کلیدی استخراج می‌کند (Godet, 2003).

منبع: اسماعیلیان، ۱۳۹۵

در هر صورت تحلیل بازیگران در شرایط مشخصی می‌تواند فن مناسبی برای تحلیل سیستم باشد. این شرایط عبارت‌اند از (Bendahan, 2005):

- سیستم دارای پویایی زیادی است.
- تعداد بازیگران کلیدی سیستم محدود است.
- بازیگران اثرات قابل توجهی در تکامل سیستم دارند.

1. Actor Network Theory (ANT)

2. Latour

3. Allas

4. Lockwood Analytical Method for Prediction

5. Lockwood

6. Agent-Based Rational Choice (ABRC)

7. Bruce Bueno de Mesquita

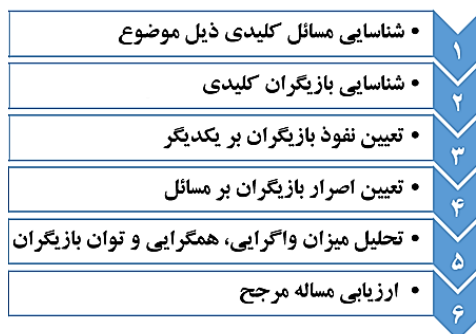
8. Expected Utility

9. Godet

- بازیگران دارای هویت مشخص بوده و با توان و امکانات خود تلاش می‌کنند سیستم را به سمت نتایج مرجح خود متمایل کنند.
- تعاملات بازیگران در سیستم، انعطاف دارد و ممکن است به شکل همکاری یا رقابت باشد.

۴. روش پژوهش

هدف این مقاله مشخصاً بررسی مناقشات بازیگران در حوزه حکمرانی بر منطقه کرکوک عراق و در نهایت ارائه‌ی یک الگو برای حکمرانی بر این منطقه بر اساس میزان مناقشات است به‌گونه‌ای که این الگو در تضاد با ملاحظات جمهوری اسلامی ایران در حوزه امنیت ملی نباشد. ماهیت این مقاله ترکیبی است به‌گونه‌ای که علاوه بر توصیفی و پیمایشی بودن بخش‌هایی از آن، در نهایت به صورت تبیینی و با بهره از یافته‌های حاصل از نرم‌افزار، سعی شده تا الگویی برای حکمرانی بر منطقه کرکوک با عطف به میزان مناقشات میان بازیگران تشریح شود. مراحل این مقاله به شرح زیر است



شکل (۱) مدل عملیاتی تحقیق

مسائل کلیدی با تمرکز بر کتاب «مناطق حیاتی خاورمیانه» (نصری، ۱۳۹۳) احصاء شده است. چهار مساله ذکر شده در اینجا در واقع همان الگوهای حکمرانی بر کرکوک هستند. شناسایی بازیگران مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی مصاحبه‌های کارشناسان و پیگیری روزانه تحولات موضوع مورد مطالعه صورت گرفته است. ۱۳ بازیگر در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اصلی‌ترین منبع برای احصاء این بازیگران، کتاب مناطق حیاتی خاورمیانه (نصری، ۱۳۹۳) بوده و از منابع دیگر از جمله نصری و دیگران (۱۳۹۲)، گوجلو (۱۳۸۷) و حق‌پناه (۱۳۸۷) نیز استفاده شده است. علاوه بر این، وبگاه‌های اینترنتی از جمله کردپرس که در حوزه مسائل کردی فعال هستند نیز مورد رجوع قرار گرفته‌اند.

مراحل سه و چهار یعنی تعیین نفوذ بازیگران بر یک‌دیگر و میزان اصرار آن‌ها بر مسائل، با شیوه پرسش‌نامه انجام شده به‌نحوی که نظرات ۱۵ نفر از پژوهشگران حوزه مورد مطالعه اخذ و جمع‌بندی شده است. این ۱۵ کارشناس را پژوهشگران یکی از اندیشکده‌های ایرانی فعال در حوزه مسائل منطقه‌ای، دانشجویان دکتری مطالعات منطقه‌ای گرایش خاورمیانه در یکی از دانشگاه‌های تهران و برخی از کارشناسان حوزه مسائل کردی تشکیل می‌دهند. آن‌ها دو جدول نفوذ و اصرار را به ترتیبی که در ادامه تشریح می‌شود تکمیل کرده‌اند.

یافته‌های مراحل سه و چهار در واقع ورودی‌های نرم‌افزار مکتور بوده و بر همین اساس، مرحله پنجم توسط نرم‌افزار صورت گرفته است. در نهایت با تحلیل خروجی‌های نرم‌افزار، تلاش شده است در یک رویکرد تبیینی، الگوی مرجح متناسب با ملاحظات امنیت ملی ایران و هم‌چنین میزان امکان‌پذیری بر اساس اقتضائات زمانی اقلیم کردستان عراق و یافته‌های حاصل از نرم‌افزار تشریح گردد.

منطق، فرایندها و ورودی‌ها و خروجی‌های نرم‌افزار MACTOR که وظیفه پردازش نظرات خبرگان و ارائه خروجی‌های کاربردی برای بررسی مناقشات میان بازیگران ذی‌نفع بر سر مسائل را برعهده دارد، در ادامه تشریح می‌شود.

همان‌گونه که ذکر شد، یکی از روش‌های مبتنی بر تحلیل بازیگران، ابزار تحلیلی MACTOR است. این روش در قالب یک نرم‌افزار پیاده شده است. بر اساس آن چه بندهان (۲۰۰۳، ۴) گفته است، اجزای MACTOR و البته برخی روش‌های دیگر تحلیل بازیگر عبارت‌اند از:

مساله^۱: می‌تواند یک ایده، موضوع، مشکل یا موضوعات دیگر باشد که محل بحث یا نزاع هستند. مسائلی که نتایج آن ممکن است بر تغییرات آینده سیستم اثرگذار باشد، از موضوعات مورد علاقه بازیگران است، به ویژه مسائلی که بازیگران نسبت به آن‌ها به صورت محسوسی از یک‌دیگر واگرایی دارند.

بازیگر^۲: به‌عنوان نهادی تعریف می‌شود که سهمی در سیستم مورد مطالعه دارد و با بسیج منابع تحت اختیار خود برای اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم بر نتیجه‌ی مساله، در تغییرات سیستم ایفای نقش می‌کند. بازیگران متفاوت معمولاً به‌وسیله‌ی اهداف واگرا و هم‌چنین اولویت‌های متفاوت از هم قابل شناسایی‌اند.

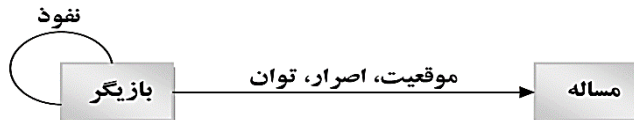
1. Issue
2. Actor

موقعیت^۱: موقعیت یک بازیگر یا ذی‌نفع نسبت به مساله، بیان‌گر پیامد مرجح او نسبت به مساله در راستایی اهدافش است. معمولاً موقعیت در طیف راهبردها یا اهداف ارزیابی می‌شود. طیف راهبردها، بیان‌گر فضای چانه‌زنی بازیگر است.

اصرار^۲: اهمیت ذهنی مساله برای بازیگر را نشان می‌دهد. اصرار به‌نوعی بیان‌گر میزان اراده بازیگر برای اعمال نفوذ روی مساله است.

توان^۳: توان بازیگر نسبت به یک مساله، بیان‌گر میزان قدرت او برای نفوذ مستقیم بر نتایج یک مساله با توجه به ابزارهایی است که در اختیار دارد. (میزان نفوذ او بر دیگر بازیگران، یکی از این ابزارهاست)

نفوذ^۴: نفوذ یک بازیگر بر بازیگر دیگر، بیان‌گر قدرت اثرگذاری او بر رفتار دیگری است.



شکل ۲) اجزای تحلیل رفتار بازیگران در Bendahan, 2003, 4/MACTOR

ماتریس‌های نفوذ (MDI^۵) و اصرار (2MAO^۶) در واقع دو ورودی نرم‌افزار MACTOR می‌باشند و نرم‌افزار مبتنی بر این دو، کلیدی‌ترین بازیگران و موقعیت، توان، واگرایی و هم‌گرایی بازیگران را ارزیابی می‌کند. ماتریس MDI نفوذ مستقیم بازیگران بر یک‌دیگر را بیان می‌کند به‌گونه‌ای که میزان نفوذ از صفر به‌عنوان بی‌اثر تا ۴ به‌عنوان اثر بسیار زیاد تعیین می‌گردد. نرم‌افزار مبتنی بر فرمول زیر، ماتریس MIDI^۷ را ارائه می‌کند که میزان نفوذ غیرمستقیم و مستقیم بازیگران بر یک‌دیگر را نشان می‌دهد. این فرمول اثر غیرمستقیم a بر b را با احتساب وجود تعداد c بازیگر (به جز دو بازیگر a و b) محاسبه می‌کند؛

$$MIDI_{a,b} = MID_{a,b} + \sum_c (\min(MID_{a,c}, MID_{c,b}))$$

ماتریس 2MAO اما برای سنجش میزان اهمیت ذهنی هر مساله برای هر بازیگر است. این اهمیت به صورت طیفی و از ۴- به‌عنوان مخالفت بسیار زیاد تا صفر به‌عنوان بی‌تفاوت و ۴+

1. Position

2. Salience

3. Clout

4. Influence

5. Matix of Direct Influence

6. Matrix of valued positions Actor X Objective

7. Matrix of Indirect and Direct Influences

به‌عنوان موافقت بسیار زیاد تعیین می‌شود. ماتریس موقعیت یعنی 1MAO در واقع همان ماتریس اصرار است که صرفاً به موافقت (+۱)، بی‌تفاوتی (صفر) و مخالفت (-۱) می‌پردازد. این ماتریس را نرم‌افزار بر اساس علامت جبری اعداد ماتریس 2MAO ارائه می‌دهد. اما اصلی‌ترین ماتریسی که مبنای تحلیل‌های کلیدی خواهد بود، 3MAO است که با ترکیب خاصی از MIDI و 2MAO به‌دست می‌آید. این ماتریس توسط نرم‌افزار و مبتنی بر فرمول‌های زیر ارائه می‌شود؛

$$I_a = \sum_b (MIDI_{a,b}) - MIDI_{a,a}$$

$$D_a = \sum_b (MIDI_{b,a}) - MIDI_{a,a}$$

$$r_a = \left(\frac{(I_a - MIDI_{a,a})}{\sum_a (I_a)} \right) \cdot \left(\frac{I_a}{(I_a + D_a)} \right)$$

$$r'_a = \frac{r_a}{\bar{r}_a} = n \cdot \frac{r_a}{\sum r_a}$$

$$3MAO_{a,i} = 2MAO_{a,i} \cdot r'_a$$

ماتریس 3MAO سه مولفه کلیدی ارائه می‌دهد؛ توان بسیج‌کنندگی^۱ هر بازیگر به همراه میزان موافقت^۲ و مخالفت^۳ با هر مساله.

$$Mob_a = \sum_i |3MAO_{a,i}|$$

$$Ag_i = \sum_a (3MAO_{a,i} (3MAO_{a,i} > 0))$$

$$Disag_i = \sum_a (3MAO_{a,i} (3MAO_{a,i} < 0))$$

نرم‌افزار MACTOR در گزارش خروجی خود، جداول مربوط به هم‌گرایی (CAA^۴) و واگرایی (DAA^۵) بازیگران بر هر مساله را برای هر سه ماتریس MAO ارائه می‌دهد. فرمول محاسبه واگرایی و هم‌گرایی برای ماتریس 3MAO به شرح زیر است؛

$$3CAA_{a,b} = \frac{1}{2} \cdot \sum_i (|3MAO_{a,i}| + |3MAO_{b,i}|) \text{ if } (3MAO_{a,i} \cdot 3MAO_{b,i} > 0)$$

$$3DAA_{a,b} = \frac{1}{2} \cdot \sum_i (|3MAO_{a,i}| + |3MAO_{b,i}|) \text{ if } (3MAO_{a,i} \cdot 3MAO_{b,i} < 0)$$

میزان واگرایی و هم‌گرایی بازیگران بر سر مسائل می‌تواند ائتلاف‌ها، همسویی در مذاکرات و سناریوهای منتهی به مساله مرجع را فراهم سازد (Bendahan, 2003).

1. Mobilization

2. Agreement

3. Disagreement

4. Convergences Actor X Actor

5. Divergences Actor X Actor

یافته‌های پژوهش

گام نخست پژوهش، شناسایی مسائل کلیدی است. در این گام، در واقع الگوهای محتمل برای حکمرانی بر کرکوک استخراج می‌شود. واقعیت این است که مطالعه‌ی دقیق و جامعی در این خصوص صورت نگرفته و عمده‌ی کارشناسان به دو الگوی الحاق کرکوک به اقلیم کردستان عراق و یا الحاق آن به حکومت مرکزی عراق اشاره داشته‌اند. آنچه در این جا مدنظر قرار گرفته، با کمک از پژوهشی است که نصری (۱۳۹۳) انجام داده است. بر این اساس چهار الگوی محتمل برای حکمرانی بر کرکوک همراه با مشخصات ثبت شده آن‌ها در نرم‌افزار MACTOR عبارت‌اند از:

جدول (۱) الگوی محتمل برای حکمرانی بر کرکوک

Short Lable	Long Lable	اهداف	
Kurdistan	Annexation of Kirkuk to Iraqi Kurdistan	الحاق کرکوک به اقلیم کردستان عراق	۱
Iraq	Annexation of Kirkuk to the Iraq central government.	الحاق کرکوک به حکومت مرکزی عراق	۲
Independent	Introduction of Kirkuk as an independent state	معرفی کرکوک به عنوان ایالتی مستقل	۳
Multicultural	Introduction of Kirkuk as a multicultural city with special status	معرفی کرکوک به عنوان شهری چندفرهنگی و ویژه	۴

«الحاق کرکوک به اقلیم کردستان عراق» به معنای آن است که کرکوک به همراه استان‌های اربیل، دهوک و سلیمانیه، اقلیم کردستان را تشکیل دهند. اکنون این سه استان عضو اقلیم بوده و کردها با استناد به اصل ۱۴۰ قانون اساسی عراق، خواستار برگزاری همه‌پرسی برای تعیین تکلیف حکمرانی کرکوک می‌باشند. باور آن‌ها این است که در صورت برگزاری همه‌پرسی، الحاق کرکوک به اقلیم با توجه به نسبت جمعیتی کردها در این شهر، قطعی است. «الحاق کرکوک به دولت مرکزی بغداد» اما همان وضعیتی است که سال‌هاست جاری می‌باشد؛ کرکوک مرکز استان کرکوک بوده و این استان مانند سایر استان‌های عراق، به لحاظ تقسیمات سیاسی زیر نظر بغداد است. «معرفی کرکوک به عنوان ایالت مستقل» بیان‌گر حالتی است که استان کرکوک هم‌چون اقلیم کردستان، ایالتی مستقل باشد. با توجه به پذیرش فدرالیسم در قانون اساسی عراق، این امر منطقی‌تر است. «معرفی کرکوک به عنوان شهر چندفرهنگی و ویژه» که الگوی نسبتاً غیرمعارفی در میانه‌ی بحث‌های بازیگران و ذی‌نفعان مساله‌ی کرکوک است، کمتر مورد مذاقه قرار گرفته است. از آن‌جا که هویت ساکنین کرکوک مدام دست‌کاری شده و نزاع فعالی بین سه خوشه عرب، ترکمن و کرد وجود دارد و هر سه دورانی از سروری را تجربه کرده‌اند، شهر کرکوک عملاً یک شرکت سهامی است

تا یک بافتار مدنی. یعنی همراهی شهروندان، استراتژیک (محاسبه محور) است تا اخلاقی. الگوی «کرکوک به‌عنوان شهر چندفرهنگی و ویژه» بر این محور سامان یافته است که کرکوک هم‌چون حکومت مرکزی بغداد که بین عرب‌های شیعه و سنی و کردها تقسیم شده، باید با حضور همه اقوام اداره شود تا هژمونی یک قوم بر دو قوم دیگر رخ ندهد. (نصری، ۱۳۹۶)

گام دوم پژوهش، شناسایی بازیگران کلیدی است. آن‌چه مساله کرکوک را پیچیده ساخته است، تعدد بازیگران موثر و ذی‌نفع در آن می‌باشد. اگرچه امکان تقلیل تعداد بالای بازیگران به پنج بازیگر اصلی و قدرتمند وجود دارد اما نگارنده کوشیده است تا بازیگران بیشتری را لحاظ کند تا مشخص شود کدام بازیگران با سطوح کمتری از قدرت می‌توانند در ائتلاف‌سازی و سیاست‌های مذاکراتی، مدنظر بازیگران قدرتمندتر قرار گیرند. بر این اساس ۱۳ بازیگر در سطوح داخلی کرکوک، داخلی عراق، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای احصاء شدند تا جهت بررسی‌های بعد در نرم‌افزار ثبت شوند. برای تعیین این ۱۳ بازیگر از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است. اصلی‌ترین منبع، کتاب مناطق حیاتی خاورمیانه (نصری، ۱۳۹۳) بوده و از منابع دیگر از جمله نصری و دیگران (۱۳۹۲)، گوجلو (۱۳۸۷)، حق‌پناه (۱۳۸۷) نیز استفاده شده است. علاوه بر این، وبگاه‌های اینترنتی از جمله کردپرس که در حوزه مسائل کردی فعال هستند نیز مورد رجوع قرار گرفته‌اند.

جدول ۲) بازیگران فعال در کردستان عراق

Short Lable	Long Lable	بازیگران	
USA	USA	آمریکا	۱
Europe	European Union	اتحادیه اروپا	۲
Iraq	Iraq	دولت عراق	۳
Iran	Iran	ایران	۴
Turkey	Turkey	ترکیه	۵
Saudi	Saudi Arabia	عربستان	۶
Israel	Israel	اسرائیل	۷
Shiite	Shiite groups	گروه‌های شیعه	۸
Sunni	Sunni Arabs	عرب‌های سنی	۹
Turkmen	Turkmen in Kirkuk	ترکمن‌های کرکوک	۱۰
Christians	Christians in Kirkuk	مسیحیان کرکوک	۱۱
PUK	Patriotic Union of Kurdistan	اتحادیه میهنی (طالبانی‌ها)	۱۲
KDP	Kurdistan Democratic Party	حزب دموکرات (بارزانی‌ها)	۱۳

منظور از عرب‌های سنی، علاوه بر عرب‌های ساکن کرکوک، عمده احزاب، جریان‌ها و اشخاص عرب سنی عراق از جمله سلیم الجبوری، اسامه النجیفی، مثنی حارث الضاری، طارق الهاشمی، ایاد سامرائی، خالد الملاء، صالح مطلق و ... می‌باشد که اگرچه در یک برآورد کلی مخالف الحاق کرکوک به اقلیم کردستان عراق و تجزیه این کشور هستند اما عمدتاً از ایده تشکیل یک اقلیم سنی حمایت می‌کنند (ساسانیان، فروردین ۱۳۹۶).

ترکمن‌های کرکوک و به صورت مشخص حزب «جبهه ترکمنی عراق» به رهبری ارشد صالحی قاطعانه مخالف الحاق کرکوک به اقلیم کردستان هستند. این حزب که قدرتمندترین حزب ترکمنی عراق است، کاملاً همسو با ترکیه است. البته لازم به ذکر است که در این مقاله، ترکمن‌های ساکن در اربیل و پیرامون آن که عمدتاً همسو با حزب دموکرات کردستان عراق هستند مدنظر قرار نگرفته‌اند.

گروه‌های شیعه نیز شامل حزب الدعوه، جریان صدر، مجلس اعلامی اسلامی، جنبش حکمت ملی، سازمان بدر، حزب فضیلت، حشد الشعبی با همه تنوع و گستردگی‌اش و ... می‌شود که به نظر می‌رسد بررسی آن‌ها ذیل فراکسیون هم‌پیمانی ملی (تحالف الوطنی) که بزرگ‌ترین فراکسیون پارلمان عراق بوده و اعضای آن نیز عمدتاً شیعه هستند، مناسب باشد. نظرات مرجعیت نیز ذیل «گروه‌های شیعه» بررسی شده است.

گام سوم پژوهش، تعیین نفوذ بازیگران بر یک‌دیگر است. این گام با استفاده از نظرات ۱۵ تن از پژوهشگران و کارشناسان منطقه غرب آسیا و با توضیحاتی که در بخش روش‌شناسی ذکر شد، انجام و نتایج زیر حاصل شد:

MDI	USA	Europe	Iraq	Iran	Turkey	Saudi	Israel	Shiite	Sunni	Turkmen	Christians	PUK	KDP
USA	0	3	2	0	2	2	2	1	2	1	2	2	3
Europe	2	0	1	0	1	2	2	1	2	1	3	2	3
Iraq	1	1	0	2	1	1	0	4	3	3	3	2	1
Iran	0	1	3	0	2	0	0	3	1	2	1	2	1
Turkey	1	1	2	2	0	1	1	1	3	3	1	1	2
Saudi	2	1	1	0	1	0	1	1	3	0	0	1	2
Israel	2	2	0	0	1	1	0	0	0	0	0	1	2
Shiite	0	0	4	2	1	0	0	0	1	2	2	2	1
Sunni	1	0	2	1	2	1	0	1	0	2	1	1	2
Turkmen	0	0	1	0	1	0	0	1	1	0	1	1	1
Christians	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
PUK	0	1	2	1	0	0	0	1	0	1	1	0	2
KDP	1	1	1	1	0	1	1	0	1	1	1	2	0

© UPSOR-EPTA-MACTOR

شکل ۳) ماتریس نفوذ مستقیم بازیگران بر یک‌دیگر (MDI)

در تکمیل این ماتریس، ملاحظات هویتی بازیگران، پیامدهای امنیتی الحاق کرکوک به اقلیم کردستان عراق و استقلال این اقلیم، رقابت‌های منطقه‌ای و ... در نظر گرفته شده است. ماتریس نفوذ غیرمستقیم و مستقیم بازیگران بر یکدیگر که با MACTOR حاصل شد نیز به شرح زیر است؛

MDII	USA	Europe	Iraq	Iran	Turkey	Saudi	Israel	Shiite	Sunni	Turkmen	Christians	PUK	KDP	=
USA	10	10	13	8	10	9	7	9	13	11	13	14	19	136
Europe	10	9	12	6	10	9	7	8	11	9	12	13	17	124
Iraq	6	7	16	8	10	6	5	13	11	14	13	13	12	118
Iran	5	5	14	9	7	5	3	11	10	13	12	11	10	106
Turkey	7	8	13	8	11	7	5	11	12	14	11	14	13	123
Saudi	8	8	10	6	9	8	6	7	10	9	9	11	12	105
Israel	7	8	7	3	5	7	7	5	7	5	7	9	9	79
Shiite	4	5	12	8	6	4	2	10	8	11	11	10	8	89
Sunni	5	7	11	8	8	5	4	9	10	11	10	11	11	100
Turkmen	4	4	6	6	4	4	2	5	5	6	7	6	6	59
Christians	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
PUK	3	4	7	5	5	3	2	6	7	7	8	8	7	64
KDP	6	7	9	4	8	6	4	8	7	7	8	10	10	84
Di	65	73	114	70	82	65	47	92	101	111	121	122	124	1187

© LIPSOR-EPTA-MACTOR

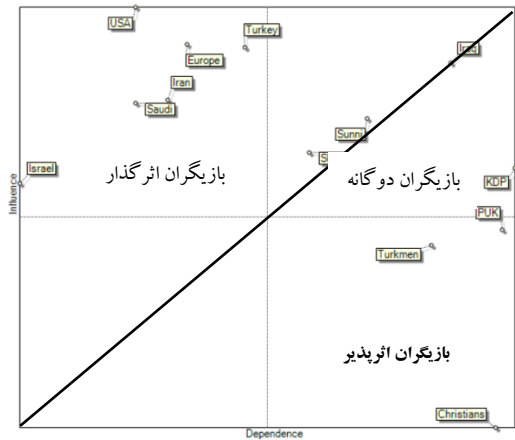
شکل ۴) ماتریس نفوذ مستقیم و غیرمستقیم بازیگران بر یکدیگر (MDII)

بر اساس ماتریس MDII ایالات متحده آمریکا و مسیحیان کرکوک بیشترین و کمترین اثرگذاری^۱ را داشته و حزب دموکرات کردستان و اسرائیل هم بیشترین و کمترین اثرپذیری^۲ را دارا هستند. ترسیم این بازیگران بر روی نمودار اثرگذاری/اثرپذیری می‌تواند بازیگران کلیدی را مشخص سازد. در واقع فرایند تشخیص بازیگران (یا پیشران‌ها) کلیدی مبتنی بر روش تحلیل اثر متقاطع^۳ است که کارویژه نرم‌افزار MICMAC می‌باشد اما MACTOR به صورت مستقل آن را محاسبه و معرفی می‌کند. در روش تحلیل اثر متقاطع، بازیگران کلیدی در ناحیه‌ی شمال شرقی نمودار اثرگذاری/اثرپذیری و در پیرامون قطر قرار می‌گیرند. بازیگر کلیدی به معنای قدرت‌مندترین بازیگر نیست بلکه واجد این معناست که به دلیل اثرپذیری و اثرگذاری توانمند و بالایی که دارد، هرگونه تغییر در جهت‌گیری‌های آن می‌تواند منجر به تغییرات اساسی در سیستم شود.

1. Influence

2. Dependence

3. Cross Impact Analysis



شکل ۵) نمودار اثرگذاری و اثرپذیری بازیگران بر یکدیگر

بر اساس این نمودار، کلیدی‌ترین بازیگر دولت عراق است و سپس عرب‌های سنی و شیعیان کلیدی محسوب می‌شوند. حزب دموکرات کردستان هم اگرچه میزان اثرپذیری بیشتری نسبت به اثرگذاری‌اش دارد اما در رتبه‌های بعدی کلیدی بودن جای می‌گیرد. شیعیان به دلیل این‌که هم در ناحیه شمال شرقی جای دارند و هم نسبت به سایر بازیگران به مرکز چهار ناحیه نزدیک‌ترند، می‌توانند به نوعی بازیگر تنظیم‌کننده تلقی شوند که قدرت مانور بیشتری در حوزه آینده حکمرانی کرکوک دارا هستند.

گام چهارم پژوهش، تعیین میزان اصرار بازیگران بر هر یک از چهار مساله کلیدی یا الگوهای حکمرانی بر کرکوک است. با احتساب نظرات کارشناسان و پژوهشگران مسائل غرب آسیا و توضیحات ذکر شده در بخش روش‌شناسی، نتیجه زیر حاصل شد:

2MAO	© LIPRO-EPTA-MACTOR			
	Kurdistan	Iraq	Independent	Multicultu
USA	2	1	1	2
Europe	1	-2	1	2
Iraq	-4	4	-2	1
Iran	-4	4	-1	2
Turkey	-4	2	2	2
Saudi	-1	1	1	2
Israel	4	-4	1	-2
Shiite	-4	3	-2	2
Sunni	-3	3	-1	3
Turkmen	-4	2	3	3
Christians	-2	2	2	3
PUK	3	-4	-1	-2
KDP	4	-4	-2	-3

شکل ۶) ماتریس اصرار بازیگران بر الگوهای حکم رانی بر کرکوک (2MAO)

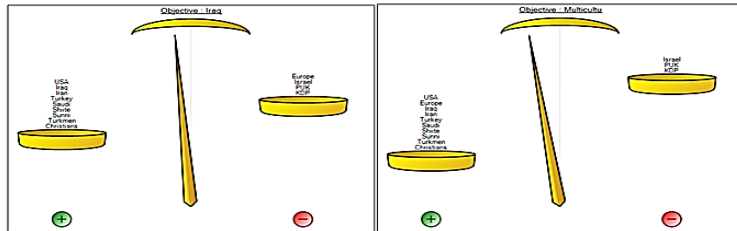
بر اساس ماتریس اصرار، ماتریس موقعیت (IMAO) ارائه می‌شود؛

IMAO	Kurdistan	Iraq	Independen	Multicultu	Absolute sum
	USA	1	1	1	1
Europe	1	-1	1	1	4
Iraq	-1	1	-1	1	4
Iran	-1	1	-1	1	4
Turkey	-1	1	1	1	4
Saudi	-1	1	1	1	4
Israel	1	-1	1	-1	4
Shiite	-1	1	-1	1	4
Sunni	-1	1	-1	1	4
Turkmen	-1	1	1	1	4
Christians	-1	1	1	1	4
PUK	1	-1	-1	-1	4
KDP	1	-1	-1	-1	4
Number of agreements	5	9	7	10	
Number of disagreements	-8	-4	-6	-3	
Number of positions	13	13	13	13	

© IPSOR-EPTA-MACTOR

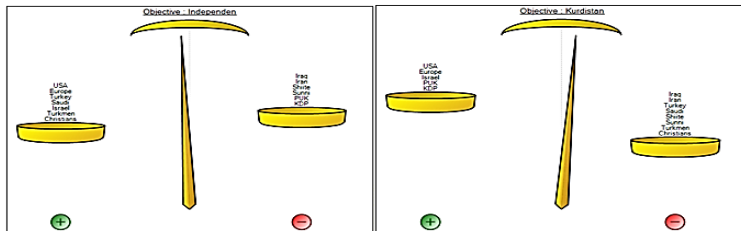
شکل ۷) ماتریس موقعیت بازیگران نسبت به الگوهای حکمرانی بر کرکوک (IMAO)

در ماتریس موقعیت، بیشترین موقعیت توافقی نسبت به الگوی «چندفرهنگی و ویژه‌شدن شهر کرکوک» قابل مشاهده است و کمترین موقعیت توافقی هم مربوط به الگوی «الحاق کرکوک به اقلیم کردستان» است. قدرت رقابتی بازیگران در خصوص هر کدام از الگوها، از دیگر مواردی است نرم‌افزار با محاسبه ضریب رقابت‌پذیری ارائه می‌دهد؛



قدرت رقابتی در خصوص «الحاق کرکوک به عراق»

قدرت رقابتی در خصوص «شهر ویژه شدن کرکوک»



قدرت رقابتی در خصوص «ایالت شدن کرکوک»

قدرت رقابتی در خصوص «الحاق کرکوک به اقلیم»

شکل ۸) الگوهای رقابتی در اقلیم کردستان

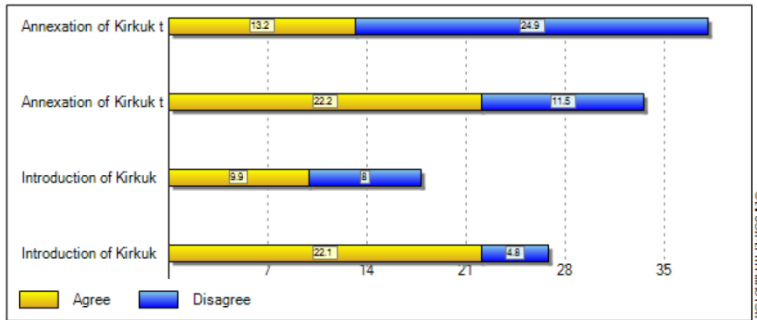
علامت منفی بیان‌گر مخالفان و علامت مثبت نشان‌دهنده موافقان هر الگوی حکمرانی است. همان‌گونه که مشخص است، قدرت رقابتی موافقان در الگوی «چندفرهنگی و ویژه شدن شهر کرکوک» نسبت به سایر الگوها بیشتر است و قدرت رقابتی مخالفان الحاق کرکوک به اقلیم هم بیشتر از موافقان است. در میان خروجی‌های MACTOR آن‌چه در تحلیل بسیار اثرگذار است، ماتریس 3MAO است که با ترکیب خاصی که در بخش روش‌شناسی ذکر شد، از ماتریس‌های MDII و 2MAO به‌دست می‌آید. این ماتریس در خصوص مساله‌ی تحت مطالعه در این مقاله به شرح زیر است؛

3MAO	Kurdistan	Iraq	Independen	Multicultiu	Mobilisation
USA	3.7	1.9	1.9	3.7	11.2
Europe	1.6	-3.2	1.6	3.2	9.5
Iraq	-4.6	4.6	-2.3	1.1	12.5
Iran	-5.1	5.1	-1.3	2.6	14.1
Turkey	-5.9	3.0	3.0	3.0	14.8
Saudi	-1.3	1.3	1.3	2.6	6.6
Israel	4.0	-4.0	1.0	-2.0	10.9
Shiite	-3.4	2.6	-1.7	1.7	9.4
Sunni	-3.0	3.0	-1.0	3.0	9.8
Turkmen	-1.6	0.8	1.2	1.2	4.9
Christians	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0
PUK	1.3	-1.7	-0.4	-0.8	4.2
KDP	2.6	-2.6	-1.3	-2.0	8.5
Number of agreements	13.2	22.2	9.9	22.1	
Number of disagreements	-24.9	-11.5	-8.0	-4.8	
Degree of mobilisation	38.1	33.6	17.9	26.9	

© LIPSOR-EPITA-MACTOR

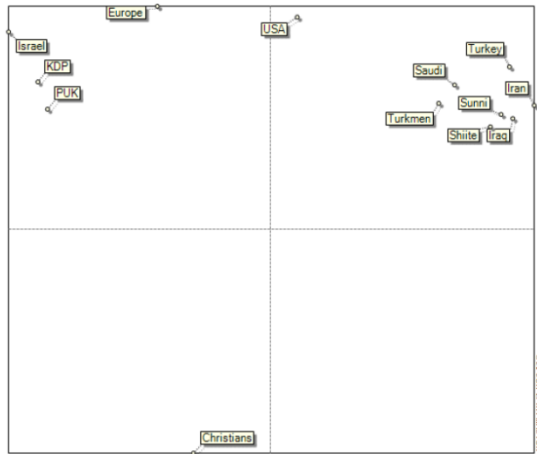
شکل ۹) ماتریس توان بازیگران نسبت به الگوهای حکمرانی بر کرکوک (3MAO)

آن‌گونه که قابل مشاهده است ترکیه، ایران، عراق و آمریکا بیشترین توان بسیج را دارا هستند. این بسیج، صرفاً بیان‌گر قدرت بازیگر روی هدف و مساله نیست بلکه تمایل بازیگران برای بهره‌گرفتن از نفوذ و اجبار بر دیگر بازیگران جهت کنترل مسائل و اهداف را هم شامل می‌شود. بر اساس این ماتریس، درجه‌ی تمرکز حمایتی بازیگران از دو الگوی «الحاق کرکوک به دولت مرکزی عراق» و «معرفی کرکوک به‌عنوان شهر چندفرهنگی و ویژه» تقریباً با یک‌دیگر برابر است اما درجه‌ی توان مخالفت‌ورزی بازیگران با الگوی دومی، کمتر است. کمترین درجه موافقت و بیشترین درجه مخالفت هم از آن «الحاق کرکوک به اقلیم کردستان عراق» است. در نمودار هیستوگرام، این موارد بهتر قابل رویت است؛ (مورد سوم و چهارم به ترتیب، معرفی کرکوک به‌عنوان ایالت مستقل و شهر چندفرهنگی و ویژه است)



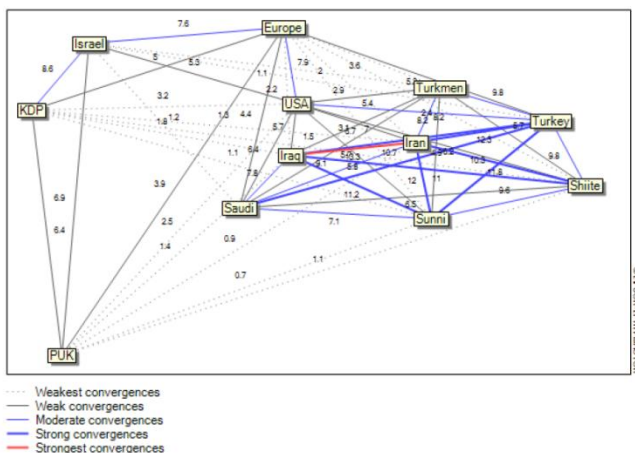
شکل ۱۰ نمودار هیستوگرام توان بسیج بازیگران نسبت به اهداف

از دیگر خروجی‌های مهم MACTOR، ارائه واگرایی و هم‌گرایی بازیگران نسبت به اهداف برای هر سه ماتریس MAO است که در این جا صرفاً به واگرایی و هم‌گرایی بازیگران با محوریت ماتریس مهم 3MAO پرداخته می‌شود؛

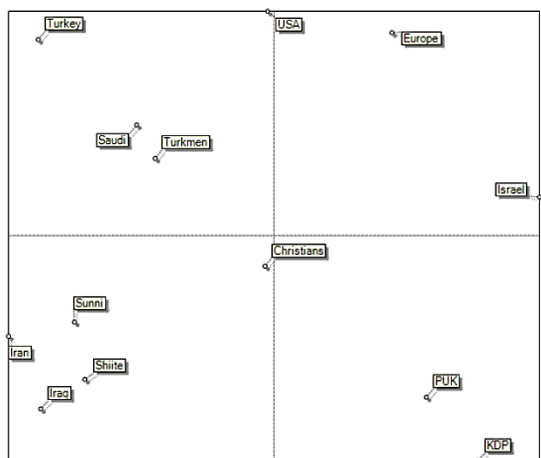


شکل ۱۱ نقشه هم‌گرایی میان بازیگران بر اساس ماتریس 3MAO

هرقدر در نقشه‌ی فوق، فاصله بازیگران از یک‌دیگر کمتر باشد، میزان هم‌گرایی آن‌ها بیشتر است. بر این اساس ایران، عراق، شیعیان، عرب‌های سنی، عربستان و ترکیه و ترکمن‌ها از هم‌گرایی قابل توجهی با یک‌دیگر برخوردارند. این به‌معنای هم‌گرایی در خصوص یک الگوی مشخص برای حکمرانی بر کرکوک نیست بلکه بیان‌گر اشتراک‌نظر نسبی در خصوص آینده‌ی متصور برای کرکوک می‌باشد. جایگاه آمریکا که تقریباً در میانه است، بیان‌گر قدرت مانور این بازیگر در هم‌گرایی با هر یک از دو خوشه‌ی چپ و راست نقشه می‌باشد.

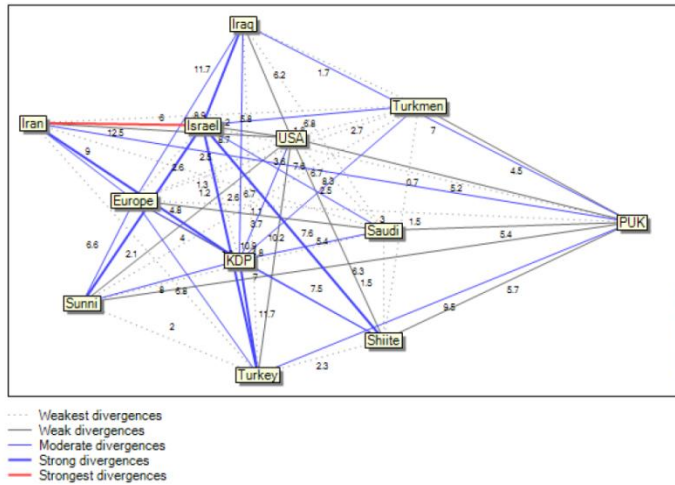


شکل ۱۲) گراف هم‌گرایی میان بازیگران بر اساس ماتریس 3MAO در گراف فوق هم مشخص است که ایران و عراق، هم‌گراترین بازیگران هستند.



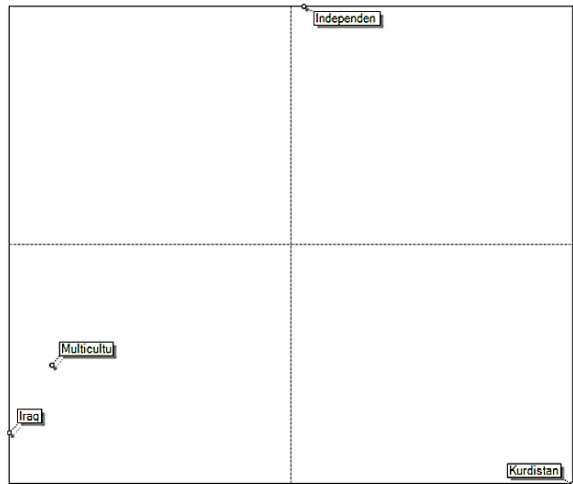
شکل ۱۳) نقشه واگرایی میان بازیگران بر اساس ماتریس 3MAO

در نقشه فوق، هر قدر فاصله‌ی میان بازیگران از یک‌دیگر بیشتر باشد، واگرایی بیشتر است. بر این اساس، واگرایی ایران، عراق، شیعیان و عرب‌های سنی کم است. واگرایی ایران و ترکیه هم قابل تامل است. اگرچه این دو بازیگر در عدم الحاق کرکوک به اقلیم کردستان کاملاً هم‌گرا هستند اما در نگاه به آینده‌ی حکمرانی بر این شهر، اختلافاتی با یک‌دیگر دارند.



شکل ۱۴) گراف واگرایی میان بازیگران بر اساس ماتریس 3MAO

در گراف فوق مشخص است که ایران و اسرائیل، واگراترین بازیگران هستند. در نهایت، فاصله میان اهداف در MACTOR بررسی می‌شود. نقشه زیر برای شناسایی اهدافی است که بازیگران نسبت به آن‌ها، موقعیت مشابهی (موافق و مخالف) دارند. هرچقدر فاصله میان دو هدف کمتر باشد، بیان‌گر موقعیت مشابه این دو هدف برای بازیگران بیشتری است.



شکل ۱۵) نقشه‌ی فاصله‌ی میان الگوهای حکمرانی بر کرکوک

در مجموع می‌توان موارد زیر را به‌عنوان جمع‌بندی حاصل از نرم‌افزار MACTOR برای آینده‌پژوهی حکمرانی بر کرکوک و ذیل گام پنجم پژوهش مطرح کرد:

- دولت، شیعیان و عرب‌های سنی در عراق، سه بازیگر کلیدی محسوب می‌شوند که تغییر در رفتار و گرایش آن‌ها می‌تواند بر آینده حکمرانی بر کرکوک موثر واقع شود.
- جمهوری اسلامی ایران با این سه بازیگر کلیدی، در خصوص کلیت آینده حکمرانی بر کرکوک، هم‌گرایی قابل توجهی داشته و میزان واگرایی آن از این بازیگران نیز محدود است.
- با توجه به قدرت بسیج‌کنندگی بالای ترکیه و ایران در میان بازیگران، هم‌گرایی این دو می‌تواند تاثیر تعیین‌کننده‌ای بر آینده حکمرانی بر کرکوک برجای گذارد.
- از لحاظ هم‌گرایی، دو خوشه اصلی هم‌گرا وجود دارد؛ ایران، عراق، ترکمن‌ها، شیعیان، عرب‌های سنی، ترکیه و عربستان سعودی در یک خوشه و اسرائیل، اتحادیه میهنی و حزب دموکرات کردستان عراق در سوی دیگر. البته اروپا نیز به خوشه دوم نزدیک‌تر است. آمریکا اما به‌طور تقریبی در میانه‌ی دو خوشه است. این، یعنی واشنگتن امکان هم‌گرایی با هر دو خوشه را داراست و از این منظر می‌تواند با هم‌گرا شدن با هر یک از خوشه‌ها، وزن آن را افزایش دهد.
- قدرت رقابتی بازیگران موافق با الگوی «معرفی کرکوک به‌عنوان شهر چندفرهنگی و ویژه» بسیار بیشتر از قدرت رقابتی مخالفان این الگو است.
- در مجموع، فاصله‌ی میان دو الگوی «معرفی کرکوک به‌عنوان شهر چندفرهنگی و ویژه» و «الحاق کرکوک به دولت مرکزی عراق» از نظر بازیگران کم است. به بیان دیگر، بازیگران بیشتری نسبت به این دو الگو، موقعیت مشابه دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

پیچیدگی مساله‌ی کرکوک در چند بُعدی بودن و تداخل منافع ذی‌نفعان در آن است. لذا نحوه‌ی پایان دادن به این مساله باید به‌گونه‌ای باشد که ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی کرکوک در آن لحاظ شده و پیامدهای ژئوپلیتیکی تحقق مطلوبیت‌های بازیگران ذی‌نفع و موثر بر آن، برآورد و در مسیر کنترل قرار گیرد. کرکوک از چنان قابلیت‌های برخوردار است که در صورت الحاق به اقلیم کردستان عراق، می‌تواند فرایند استقلال‌خواهی کردهای این کشور را تقویت کرده و تسریع بخشد. تحقق چنین استقلالی، موجب تحولات ژئوپلیتیکی در منطقه شده و سامانه نظم منطقه‌ای را دچار تغییرات اساسی خواهد ساخت. ایران، یکی از متضرران چنین تغییراتی خواهد بود. در صورت مستقل شدن اقلیم کردستان، بازیگر جدیدی همسایه ایران شده و تهدیداتی از ناحیه آن برای کشور ایجاد خواهد شد. توسعه حضور و نفوذ رژیم

صهیونیستی در اقلیم و فعال‌تر شدن گروهک‌های کردی اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران، از جمله مواردی است که می‌تواند موجب تهدید امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور شود. در این حالت، جمهوری اسلامی ایران برای مواجهه با وضعیت جدید، نیازمند رویکردهای امنیتی و نظامی متناسب با این تهدیدات خواهد بود به گونه‌ای که ممکن است تقویت حضور نظامی نیروهای مسلح در مرزهای غربی و یا تغییر آرایش آن‌ها در دستور کار قرار گیرد. از سوی دیگر، با توجه به توزیع قومیت‌ها در مناطق مرزی ایران، امکان فعال شدن گروهک‌های تجزیه‌طلب در سایر نواحی مرزی نیز وجود داشته و با توجه به احتمال نقش‌آفرینی بازیگر خارجی در چنین مواردی، می‌تواند رویکردهای نظامی و امنیتی ایران را تحت تاثیر قرار دهد. بر همین اساس نیاز است تا الگوی مرجح حکمرانی بر کرکوک از نظر ایران و با در نظر گرفتن منافع عراق و ترکیه، در چارچوب نگاهی واقع‌بینانه که موجب حل ریشه‌ای این مساله شود، مورد بررسی قرار گیرد تا امنیت ملی ایران دستخوش تهدید قرار نگرفته و نیاز به رویکردهای پرهزینه‌ی سخت ایجاد نشود.

واقعیت این است که عمده‌ی پژوهش‌های صورت‌گرفته در خصوص کرکوک، به توصیف تضادها و تعارضات بازیگران پرداخته و بر تشریح ویژگی‌های برجسته‌ی این منطقه متمرکز شده است. مقاله‌ی حاضر کوشیده است تا با نگاهی آینده‌پژوهانه مبتنی بر میزان مناقشات بازیگران با یک‌دیگر بر سر چهار الگوی محتمل برای حکمرانی بر کرکوک، در پی یک الگوی حکمرانی مرجح برای جمهوری اسلامی ایران، دولت عراق و دولت ترکیه و برخی بازیگران دیگر باشد به گونه‌ای که این الگو با مخالفت غیرقابل کنترل دیگر بازیگران نیز روبرو نشود. لازم به تاکید است که سایر متغیرهای مورد نیاز برای ارائه یک الگوی مطلوب در این مقاله مورد بررسی قرار نگرفته و صرفاً میزان مناقشات بازیگران مورد مطالعه بوده است.

با توجه به ضرورت‌های ارائه الگویی جدید برای حکمرانی بر کرکوک که در ابتدای مقاله تشریح شد و با محوریت میزان مناقشات بازیگران و نتایج حاصله از بررسی‌های صورت‌گرفته با نرم‌افزار MACTOR، به نظر می‌رسد الگوی «معرفی شهر کرکوک به‌عنوان شهری چندفرهنگی و ویژه» می‌تواند گزینه‌ی قابل‌تأملی در این خصوص باشد. بر این اساس، از میان سه الگوی مارجر برای مدیریت سیاسی بر جوامع چندقومی که عبارت بودند از همانندسازی، تکثرگرایی نابرابر و تکثرگرایی مساوات‌طلبانه، الگوی سوم با تطبیق بر «معرفی شهر کرکوک به‌عنوان شهری چندفرهنگی و ویژه» می‌تواند در مسیر مطالعات و بررسی‌های بیشتر با احتساب متغیرهای دیگر قرار گیرد. چنین الگویی که بازیگران در خصوص آن، کمترین میزان مناقشه را دارند، با ضرورت‌های ملی عراق و حساسیت‌های امنیتی بازیگران پیرامونی این کشور از

جمله جمهوری اسلامی ایران، در تضاد نبوده و از همسویی نسبی برخوردار است. در این الگو، مدیریت منطقه کرکوک با حضور سه قوم مهم حاضر در آن یعنی اقوام کرد، عرب و ترکمن و بدون هژمونی یک قوم بر دیگران، صورت خواهد گرفت. لذا اصل تعیین‌کننده در توزیع مسئولیت‌ها و مشارکت اقوام حاضر در کرکوک، میزان جمعیت آن‌ها نیست. چنین منطقی در توزیع مسئولیت‌ها در سطح ملی نیز وجود دارد. به‌عنوان مثال، با وجود این‌که عمده‌ی کرسی‌های پارلمان از آن شیعیان است و این پارلمان است که سه مقام عالی‌رتبه یعنی رئیس پارلمان، رئیس جمهور و نخست‌وزیر را انتخاب می‌کند، اما بر اساس یک توافق نانوشته، رئیس پارلمان از اهل سنت، رئیس جمهور از میان کردها و نخست‌وزیر از میان شیعیان برگزیده می‌شوند. چنین سازوکاری برای کرکوک و البته با احتساب ضوابط مشخص و مدون، می‌تواند ذیل الگوی «شهر چندفرهنگی و ویژه کرکوک» صورت گیرد. این امر نیازمند برخی تغییرات ساختاری در سطح قانون اساسی عراق می‌باشد. واقعیت این است که برای پایان دادن به مساله کرکوک، عراق ناگزیر از اصلاح قانون اساسی خود است چرا که اساسا اصل ۱۴۰ به‌عنوان یک منبع تنش‌زا می‌تواند در آینده زمینه‌ساز تحرک مجدد کردها برای الحاق کرکوک به اقلیم و دستاویزی برای مستقل‌شدن باشد. کیفیت این تغییرات ساختاری و هم‌چنین نحوه‌ی توزیع مسئولیت‌ها در کرکوک ذیل الگوی «شهر چندفرهنگی و ویژه» نیازمند پژوهشی مستقل است.

الگوی «شهر چندفرهنگی و ویژه کرکوک» به صورت تحلیلی و بر اساس یافته‌های حاصل از نرم‌افزار MACTOR دارای ویژگی‌های می‌باشد که زمینه‌ی طرح مقدماتی آن به‌عنوان الگویی برای پایان دادن به مساله کرکوک را فراهم می‌سازد. این ویژگی‌ها عبارتند از؛

- در مجموع، فاصله الگوی «معرفی کرکوک به‌عنوان شهر چندفرهنگی و ویژه» با «الحاق کرکوک به دولت مرکزی بغداد» از نظر بازیگران کم است. این به‌معنای آن است که این الگو می‌تواند تامین‌کننده‌ی نسبی منافع دولت‌های عراق، ترکیه و ایران باشد. کردها در این الگو، قدرت الحاق کرکوک به اقلیم کردستان را نداشته و از این نظر، امکان استقلال کردستان عراق، به حداقل می‌رسد.

- با توجه به این‌که ترکمن‌ها و اعراب و حتی مسیحیان هم به صورت مشارکتی، در مدیریت شهر کرکوک و فارغ از میزان جمعیت‌شان، سهم تعیین‌کننده خواهند بُرد، عملا منافع آن‌ها در چارچوب این الگو تامین خواهد شد. حس بُرد در این الگو برای این اقوام، حاصل خواهد شد

- کردها با این الگو، به مطلوب خود نخواهند رسید اما قطعاً سهم‌های مهم و کلیدی از مدیریت شهر کرکوک به آن‌ها خواهد رسید. «الحاق کرکوک به اقلیم کردستان» با توجه به فضای شکل‌گرفته‌ی پس از همه‌پرسی مهرماه ۱۳۹۶؛ عملاً امکان‌پذیر نیست و الحاق کرکوک به بغداد هم باخت مطلق برای کردهاست. در چنین شرایطی، اگرچه کردها، بازیگر ناراضی در الگوی «شهر چندفرهنگی و ویژه کرکوک» خواهند بود اما به‌دلیل قرار داشتن این الگو در میانه دو الگوی دیگر، حس باخت مطلق در میان کردها ایجاد نخواهد شد. در مقام عمل، بغداد می‌تواند امتیازهایی در موضوعات دیگر که اهمیت راهبردی نداشته و به فرایند استقلال کردها کمک نمی‌کند، به آن‌ها بدهد.
- قدرت رقابتی بازیگران موافق با الگوی «معرفی کرکوک به‌عنوان شهر چندفرهنگی و ویژه» با اختلاف از قدرت رقابتی بازیگران مخالف این الگو بیشتر است. این امر می‌تواند پیش‌برنده‌ی جدی در عملیاتی‌شدن این الگو محسوب شود.
- با تاکید بر اصول قانون اساسی در خصوص منابع نفتی و تعلق «همه‌ی نفت عراق» به «همه‌ی شهروندان عراقی»، تسلط قانونی دولت عراق بر میداین نفتی کرکوک، امری پذیرفتنی و غیرقابل چشم‌پوشی است. چنین تسلطی بر پایگاه‌های نظامی کرکوک هم باید وجود داشته باشد. لذا با این دو ملاحظه و در چارچوب الگوی مذکور، جریان‌های استقلال‌طلب کردی نمی‌توانند از ظرفیت کرکوک به نفع استقلال اقلیم کردستان عراق بهره‌برداری کنند.

منابع

- اسماعیلیان، ملیحه (۱۳۹۵)، «بررسی راهبردهای تنظیمی متناسب با آینده‌های بدیل رسانه‌های صوتی تصویری»، پایان‌نامه دکتری آینده‌پژوهی، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- بیلیس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۸۳)، جهانی‌شدن سیاست؛ روابط بین‌الملل در عصر نوین، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، «تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه»، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۳.
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۷)، کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۷)، «مساله کرکوک و چالش قومی - مذهبی در عراق جدید»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ششم، شماره ۲۰.
- زارع میرک‌آباد، علی (۱۳۹۶)، «بررسی جایگاه تحلیل بازیگر در مطالعات آینده‌پژوهی»، وبگاه موسسه افق آینده‌پژوهی راهبردی.

عبداله‌پور، محمدرضا (۱۳۹۰)، «تعارض ژئوپلیتیکی کردستان عراق با میدان های منطقه ای، جذب اسرائیل در میدان مغناطیسی کردستان عراق»، مطالعات خاورمیانه، شماره ۶۵.

عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰) نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ.

گوگل، یوسل (۱۳۸۷)، «مالکیت کرکوک: مطالبات ترکمنها»، گروه ترجمه موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۳۳.

مارجر، مارتین (۱۳۷۷)، «سیاست قومی»، ترجمه اصغر افتخاری، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش‌شماره اول.

نصری، قدیر (۱۳۹۲)، «جایگاه کرکوک در معادلات راهبردی عراق: با تمرکز بر موضوعات کلیدی و کارگزاران تحول»، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره نوزدهم.

نصری، قدیر (۱۳۹۳)، مناطق حیاتی خاورمیانه، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

نصری، قدیر (۱۳۹۶)، مصاحبه کوتاه با نگارنده.

خبرگزاری فارس (آبان ۱۳۹۶)، «واکنش اربیل به حکم دادگاه فدرال عراق درباره ماده یک قانون اساسی کشور»، قابل‌بازیابی در؛

<http://www.farsnews.com/13960823000752>

ساسانیان، سعید (فروردین ۱۳۹۶)، «آیا اهل سنت عراق به دنبال تجزیه‌اند؟»، اندیشکده راهبردی تبیین، قابل‌بازیابی در؛

<http://tabyincenter.ir/18781>

ساسانیان، سعید (آبان ۱۳۹۶)، «پرونده کرکوک؛ چرا باید طرحی نو در انداخت؟»، اندیشکده راهبردی تبیین، قابل‌بازیابی در؛

<http://tabyincenter.ir/21801>

کردستان میدیا (شهریور ۱۳۹۵)، «نماینده‌ی حزب دمکرات در آمریکا با تینک تانک‌ها دیدار به عمل آورد»، قابل‌بازیابی در؛

<http://www.kurdistanmedia.com/farsi/idame/25257>

مردانه، وحید (۱۳۹۶)، «چرا آمریکا در مقابل همه پرسى اقلیم کردستان منفعلى بود؟»، خبرگزاری تسنیم، قابل‌بازیابی در؛

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/07/28/1551119>

Barth, E. A., Noel, D. L. (1972). "Conceptual Fromeworks For The Analysis of Race Relations", *Social forces*, 50: 333-48.

Bendahan, S. (2005). "Negotiation in technology landscapes: an actor-issue analysis", *Journal of Management Information Systems* 21(4).

Bendahan, S. (2003). "Multi-issue actor analysis: tools and models for assessing technology environments", *Journal of Decision Systems* 13(2).

- Brugha, R., Varvasovsky, Z. (2000). "Stakeholder analysis: a review", Health Policy and Planning. Vol 15.
- Crisis Group (2017), "Oil and Borders: How to Fix Iraq's Kurdish Crisis", Available at:
<https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/gulf-and-arabian-peninsula/iraq/55-settling-iraqi-kurdistan-boundaries-will-help-defuse-post-referendum-tensions>
- Camponovo, G., Y. Pigneur (2002). Analyzing the actor game in m-business. Proc. First.
- David, Steven (1991). Choosing Sides: Alignment and Realignment in the Third World, Baltimor, Johns Hopkins University Press.
- Foundation for Defense of Democracies (October 2017), "Conversation between National Security Advisor Lt. Gen. H.R. McMaster and FDD CEO Mark Dubowitz", Available at:
https://www.defenddemocracy.org/content/uploads/documents/Transcript_FINAL_McMaster.pdf
- Godet, A. J. Meunier, M. F. Roubelat, F. (2003), Structural analysis with the MICMAC method & actors' strategy with MACTOR method, AC/UNU Millennium Project: Futures Research Methodology-V2.0, AC/UNU.
- Grimble, R., Wellard, K. (1997). "Stakeholder methodologies in natural resource management: a review of concepts, contexts, experiences and opportunities", Agricultural Systems 55.
- Jesse, E. (2011). Forecasting the Future of Iran: Implications for U.S. Strategy and Policy, Santa Monica, CA: RAND Corporation.
- Lockwood, J. S. (2013). The Lockwood Analytical Method for Prediction (LAMP): A Method for Predictive Intelligence Analysis. Bloomsbury Publishing USA.
- Slaughter, R. (1999). Futures for the Third Millennium: Enabling the Forward View, Sydney: Prospect Media.
- Smith, M. G. (1969). "Institutional and Political Conditions of Pluralism", in L. Kuper and m. G. Smith (eds) Pluralism in Africa, Berkeley, University of California Press.
- Yinger, J. M. (1985). "Assimilation in the United States: The Mexican-Americans", in W. Connor (ed.) Mexican-Americans in Comparative, Washigton, DC, Urban Institute Press.